



Exemptions under the Singapore Convention on the Enforcement of Mediation Settlement Agreements with Emphasis on Labor and Consumer Rights: A Comparative Study of the Legal Systems of Afghanistan and Iran

Kamaluddin Azimi*

Abstract

The Singapore Convention, adopted in 2019, aims to facilitate the enforcement of settlement agreements resulting from mediation in international commercial disputes. It excludes certain areas—such as family law, inheritance, labor law, and consumer law—from its scope due to cultural, religious, and social considerations, as well as the non-commercial nature of such disputes. While the exclusion of family and inheritance matters appears justifiable given their deep roots in domestic legal systems and religious jurisprudence, the exclusion of labor and consumer law warrants closer examination.

This study adopts a comparative-analytical approach to examine the legal frameworks of Iran and Afghanistan in relation to the Convention, with particular emphasis on the aforementioned exclusions.

The findings indicate that within the Iranian legal system, settlement agreements arising from mediation in labor disputes are recognized and, in certain instances, benefit from significant enforcement guarantees, reflecting a flexible approach aligned with the development of alternative dispute resolution (ADR) mechanisms. However, in the field of consumer law, despite the recognition of mediation in executive regulations, the absence of explicit statutory backing has resulted in insufficient enforcement support for such settlement agreements.

Conversely, in the Afghan legal system, although administrative and commission-based mechanisms for resolving labor disputes are

* Professor, Faculty of Law and Political Science, Khatam al-Nabieen University, Ghazni Branch Email: azimilaw1986@gmail.com

предусмотрены, mediation has not been accorded a clearly defined role. The existing structure is predominantly centralized and state-driven, lacking the necessary flexibility. Nevertheless, in the areas of commercial and consumer disputes, more effective support has been afforded to settlement agreements.

Keywords: Singapore Convention, Consumer Rights, Mediation, Labor Law, Exceptions, Comparative Law.





استثنائات کنوانسیون سنگاپور در اجرای توافق نامه‌های میانجیگری با تأکید بر حقوق کار و مصرف‌کننده (مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی افغانستان و ایران)

کمال‌الدین عظیمی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۷

چکیده

کنوانسیون سنگاپور با هدف تسهیل اجرای توافقات حاصل از میانجیگری در دعاوی تجارتي بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ تصویب شده است. برخی حوزه‌ها از جمله حقوق خانواده، ارث، حقوق کار و حقوق مصرف‌کننده را به دلیل ملاحظات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و ماهیت غیرتجارتی این دعاوی، از شمول خود خارج نموده است. در حالی که استثنای حقوق خانواده و ارث به دلیل پیوند عمیق با نظام‌های حقوقی ملی و منابع فقهی، منطقی و قابل دفاع به نظر می‌رسد؛ اما استثنای حقوق کار و مصرف‌کننده نیازمند بررسی بیشتری است. تحقیق حاضر با رویکردی تطبیقی - تحلیلی و با هدف مطالعه تطبیقی، وضعیت حقوقی ایران و افغانستان را در انطباق با این کنوانسیون، به‌ویژه در زمینه استثنائات مذکور مطالعه نموده است.

یافته‌های تحقیق حاکی است که در نظام حقوقی ایران، سازش‌نامه‌های ناشی از میانجیگری در دعاوی کار رسمی و قانون شده و در مواردی از ضمانت اجرای قابل توجه برخوردار است که بیانگر رویکردی منعطف و همسو با توسعه روش‌های جایگزین حل اختلاف می‌باشد. با این حال، در حوزه حقوق مصرف‌کننده، برغم پذیرش میانجیگری در

* استاد پوهنهی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون خاتم النبیین ص شعبه غزنی

آیین‌نامه اجرایی، به دلیل فقدان پشتوانه قانونی صریح، حمایت اجرایی کافی از این سازش‌نامه‌ها پیش‌بینی نگردیده است. در مقابل، در نظام حقوقی افغانستان، با وجود پیش‌بینی سازوکارهای اداری و کمیسیونی برای حل اختلافات کارگری، جایگاه مشخصی برای میانجیگری در نظر گرفته نشده و ساختار موجود بیشتر ماهیت متمرکز و دولتی دارد که از انعطاف لازم برخوردار نیست؛ اما در حوزه دعاوی تجارتي و مصرف‌کننده، حمایت مؤثرتری از سازش‌نامه‌ها صورت گرفته است.

کلمات کلیدی: کنوانسیون سنگاپور، استثنائات، میانجیگری، حقوق کار و مصرف‌کننده، افغانستان، ایران.



روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات^۱ به‌ویژه میانجیگری در دهه‌های اخیر، دارای جایگاه ویژه‌ای در حقوق تجارت بین‌الملل است. کنوانسیون سنگاپور در زمینه اجرای موافقت‌نامه‌های حاصل از میانجیگری (۲۰۱۸)، به عنوان تلاشی بین‌المللی، سازوکار الزام‌آور برای اجرای توافق‌های میانجیگری در اختلافات تجاری فراملی فراهم کرده است. هدف اصلی این کنوانسیون، ارتقای اعتماد به میانجیگری و تشویق استفاده گسترده‌تر از آن در سطح جهان است. با این حال، همانند بسیاری از اسناد بین‌المللی، این کنوانسیون استثنائاتی را برای اجرای موافقت‌نامه‌های میانجیگری قائل شده است؛ از جمله هنگامی که اجرای توافق برخلاف نظم عمومی باشد یا با قواعد آمره‌ی ملی در تضاد قرار گیرد. حوزه‌های مانند حقوق کار و حقوق مصرف‌کننده، از مهم‌ترین حوزه‌های مشمول استثنا هستند؛ چرا که معمولاً با افراد ضعیف‌تر در روابط قراردادی سروکار دارند و قواعد آنها جنبه حمایتی و آمره دارد. لذا اجرای توافق‌های میانجیگری در این حوزه‌ها می‌تواند با چالش‌های حقوقی مواجه شود.

در زمینه کنوانسیون سنگاپور و اجرای موافقت‌نامه‌های ناشی از میانجیگری، پژوهش‌های متعددی در ادبیات حقوقی به‌ویژه در ایران انجام شده است. از جمله، میلاد امیری و پریسا رضایی در مقاله «تحلیل جهات رد درخواست اجرای موافقت‌نامه‌های ناشی از میانجیگری بر اساس کنوانسیون سنگاپور» به بررسی تحلیلی-توصیفی استثنائات و دفاعیات مندرج در کنوانسیون پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که پیش‌بینی این استثنائات، تضمینی برای حفظ حاکمیت قواعد حقوق داخلی کشورها در فرآیند اجرای این موافقت‌نامه‌ها محسوب می‌شود. همچنین، لعیا جنیدی و مجید قربانی زلیخایی در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه تطبیقی انواع رژیم اجرایی موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف ناشی از میانجیگری تجاری بین‌المللی»، به بررسی نحوه اجرای این موافقت‌نامه‌ها در چارچوب کنوانسیون سنگاپور و دستورالعمل میانجیگری اتحادیه اروپا پرداخته و ضمن تحلیل رویکرد کشور سنگاپور، وضعیت حقوقی ایران را در پرتو لایحه الحاق به این کنوانسیون مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

در همین راستا، رضا معبودی نیشابوری و سید علی‌رضا رضایی در مقاله (تحلیل دعاوی مستثنی شده از قلمرو کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فقه امامیه)

1. ADR: Alternative Dispute Resolution.





نشان داده‌اند که استثنا نمودن دعاوی خانواده و ارث قابل توجیه است؛ اما خروج دعاوی کار و مصرف‌کننده از شمول کنوانسیون، با چالش‌های جدی مواجه بوده و چندان قابل دفاع نیست.

با وجود ارزش علمی این پژوهش‌ها، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه‌ای مستقل و جامع که به صورت تطبیقی به تحلیل استثنائات کنوانسیون سنگاپور در حوزه اجرای موافقت‌نامه‌های میانجیگری با تأکید خاص بر حقوق کار و مصرف‌کننده در نظام‌های حقوقی افغانستان و ایران پردازد، انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکردی تطبیقی و با تمرکز بر این دو حوزه مهم، خلأ موجود در ادبیات حقوقی، به‌ویژه در نظام حقوقی افغانستان، را مورد توجه قرار دهد.

پرسش اصلی این تحقیق بررسی جایگاه اجرای توافقات میانجیگری در نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان در مواجهه با قواعد آمره و حمایتی این دو حوزه است. فرضیه پژوهش بر این مبناست که به دلیل تأثیرپذیری از فقه اسلامی و ویژگی‌های مختلط حقوقی، پذیرش مطلق توافقات میانجیگری در حوزه‌های حقوق کار و مصرف‌کننده با محدودیت‌هایی همراه است. با توجه به عضویت یا تمایل برخی کشورها در منطقه به پذیرش مفاد کنوانسیون سنگاپور، بررسی ظرفیت حقوق داخلی این کشورها برای پذیرش چنین معاهداتی ضرورت دارد؛ موضوعی که در کشورهایی مانند ایران و افغانستان با ساختار حقوقی خاص و نقش برجسته قواعد آمره، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

این تحقیق با رویکرد تطبیقی - تحلیلی انجام می‌شود. در چارچوب این روش، نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان در زمینه حقوق کار و حقوق مصرف‌کننده با یکدیگر مقایسه خواهند شد تا جایگاه و کارکرد استثنائات پیش‌بینی شده در کنوانسیون سنگاپور مشخص گردد. این تحلیل شامل شناسایی نقاط قوت و ضعف هر نظام حقوقی، انعطاف‌پذیری سازوکارهای میانجیگری، و جایگاه اجرایی سازش‌نامه‌ها در دعاوی کار و مصرف‌کننده می‌باشد. در نهایت، نتایج تحقیق به شکل پیشنهادات کاربردی برای اصلاح قوانین داخلی و توسعه میانجیگری در راستای سازگاری با کنوانسیون ارائه خواهد شد.

الف) مفهوم و جایگاه میانجیگری در حل و فصل اختلافات

میانجیگری^۱ از روش‌های مهم و مؤثر حل و فصل اختلافات است که در آن شخص ثالث بی‌طرفی به نام «میانجی» یا «میانجیگر» تلاش می‌کند با جلب اعتماد و تعامل میان طرفین اختلاف، آن‌ها را

۱. Mediation

به توافقی با رضایت دو طرف برساند. در این روش، میانجی تصمیم‌گیرنده نیست، بلکه نقش تسهیل‌گر را ایفا می‌کند تا طرفین بتوانند با گفتگو و درک متقابل، راه‌حلی برای اختلاف خود بیابند.

در بند ۲ ماده ۱ قواعد میانجیگری مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران، میانجیگری به عنوان روشی برای حل اختلاف با کمک شخص ثالث بی‌طرف معرفی شده که به طرفین در حل اختلاف یاری می‌دهد و پیشنهاداتی ارائه می‌کند. این تعریف برگرفته از قواعد میانجیگری ICC است و بر بی‌طرفی میانجی تأکید دارد.

قواعد میانجیگری مرکز منطقه‌ای داوری تهران^۱ تعریف مستقلی ارائه نداده، اما در بند ۱ ماده ۱، به صورت ضمنی میانجیگری را توافق طرفین برای ارجاع اختلافات قراردادی یا غیرقراردادی به میانجیگری دانسته است. در مقابل، بند ۲ ماده ۲ قانون میانجیگری تجاری افغانستان با الهام از قواعد آنسیترال، میانجیگری (مصالحه) را فرایندی لازم‌الاجرا برای حل سریع و عادلانه اختلافات تجاری با کمک میانجی بی‌طرف تعریف کرده و تفاوتی میان واژه‌های میانجیگری و مصالحه قائل نشده است. همین رویکرد در قواعد این عدم تفکیک، در راستای اهداف ترویجی آنسیترال، مناسب ارزیابی می‌شود.

بر اساس آنچه در چارچوب قواعد آنسیترال آمده است، میانجیگری فرایندی است خواه با اصطلاح میانجیگری، سازش یا بیانی مشابه به آن اشاره شود، که به موجب آن طرفین از شخص یا اشخاص ثالث درخواست می‌کنند تا در تلاش برای حل و فصل دوستانه اختلاف، به آنها کمک کنند. میانجی صلاحیت تحمیل راه‌حل اختلاف را به طرفین نخواهد داشت. (UNCITRAL, 2021)

میانجیگر ممکن است صرفاً در راستای تسهیل روابط و مذاکرات طرفین کمک نماید یا علاوه بر آن ارزیابی تخصصی زمینه‌های گوناگون اختلاف را نیز بر عهده بگیرد. در هر دو صورت میانجیگر حق تحمیل نظر خود به طرفین را ندارد.^۲

^۱ . TRAC-MR

^۲ . بند ۲ ماده ۱ قواعد میانجیگری آنسیترال ۲۰۲۱ مقرر می‌دارد: «میانجی‌گری فرایندی است خواه با اصطلاح میانجی-گری، سازش یا بیانی مشابه به آن اشاره شود، که به موجب آن طرفین از شخص یا اشخاص ثالث درخواست می‌کنند تا در تلاش برای حل و فصل دوستانه اختلاف شان به آنها کمک کنند. میانجی صلاحیت تحمیل راه‌حل اختلاف را به طرفین نخواهد داشت».



ویژگی‌های کلیدی میانجیگری شامل بی‌طرفی میانجی، محرمانگی، داوطلبانه بودن مشارکت و تأکید بر حفظ روابط میان طرفین است.^۱ این خصوصیات موجب شده است تا میانجیگری روشی مؤثر و کم‌هزینه‌تر در مقایسه با رسیدگی قضایی شناخته شود. این نهاد مهم‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های دستانه مورد استفاده چه در دعاوی تجاری بین‌المللی و چه در دعاوی سرمایه‌گذاری است. (جوادی پور و غمامی، ۱۴۰۱: ۷۹).

در نهایت می‌توان گفت، میانجیگری با ایجاد تعادل میان رعایت حقوق طرفین و تسريع در حل اختلافات، جایگاه ویژه‌ای در نظام عدالت معاصر دارد و می‌تواند راهکاری کارآمد برای پاسخگویی به نیازهای حقوقی و اجتماعی جوامع مطرح شود.

تاریخچه و اهداف کنوانسیون سنگاپور

از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه میانجی‌گری، کنوانسیون سازمان ملل درباره اجرای توافق‌نامه‌های حاصل از میانجیگری بین‌المللی است که به‌عنوان کنوانسیون سنگاپور^۲ نیز شناخته می‌شود. این کنوانسیون در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸ به تصویب رسید و در ۷ تاریخ اگست^۳ ۲۰۱۹ در سنگاپور به وسیله ۴۶ کشور به امضا رسید. الحاق قطر راه را برای اجرایی شدن کنوانسیون سنگاپور در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰ هموار کرد. (امیری و رضایی، ۱۴۰۰: ۶۱) هدف اولیه از تصویب این کنوانسیون قوت بخشیدن به میانجیگری، به عنوان یکی از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف و تسهیل اجرای موافقت‌نامه‌های ناشی از آن در کشورهای عضو است. (Abrishami, 2020: 15)

کنوانسیون سنگاپور در همین راستا، سازوکاری را برای اجرای مؤثر سازش‌نامه‌های حاصل از میانجیگری پیش‌بینی کرده است. بر طبق ماده ۳ کنوانسیون، هر یک از طرفین می‌تواند با استناد به سازش‌نامه، درخواست شناسایی و اجرای آن را نزد مرجع صلاحیت‌دار مطرح نماید. این رویکرد از حیث کارکرد تا حدی مشابه نظام پیش‌بینی شده در کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در خصوص شناسایی و اجرای آرای حکمیت (داوری) خارجی است. با این تفاوت که موضوع در کنوانسیون سنگاپور، نه رأی داوری، بلکه سازش‌نامه حاصل از میانجیگری است که بدون

^۱ بند ۶ ماده ۳ قواعد میانجیگری آتسیرال ۲۰۲۱ و بند ۱ ماده ۵ قواعد میانجیگری مرکز منطقه ای داوری تهران و ماده ۱۹ قانون میانجیگری تجاری افغانستان. .

^۲ Singapore Convention on Mediation (2019)

^۳ August.

نیاز به تبدیل به رأی یا حکم قضایی، قابلیت استناد و اجرا پیدا می‌کند. علاوه بر اعطای وصف لازم الاجرا به سازشنامه‌ها، کنوانسیون سنگاپور به دنبال امکان‌سازی استناد به موافقت‌نامه‌هایی به دست آمده از روش میانجیگری، دفاع در مقابل دعوای مشابه نیز هست؛ یعنی طرفین دعوا و اختلاف به سازشنامه‌های حاصل از میانجیگری به عنوان دفاع در مقابل دعوای مشابه بتوانند استناد کنند؛ وضعیتی که کنوانسیون سنگاپور به دنبال ایجاد آن است. چون کنوانسیون به یکی از نیازها و اقتضات تجارت بین‌الملل پرداخته است، به نظر می‌رسد برغم لازم الاجرا نشدن آن آینده روشن و خوبی داشته باشد.

پیش از این، نبود چارچوب حقوقی هماهنگ، اجرای این توافقنامه‌ها را با دشواری‌هایی مواجه ساخته بود و موجب عدم استقبال کافی از میانجیگری شده بود. (معبودی نیشابوری و رضایی، ۱۳۹۹: ۳۸-۱۱۳)

در حال حاضر در اکثر کشورها نمی‌توان میانجیگری را به عنوان روشی مستقل در اجرای نتایج ناشی از آن دانست و اغلب برای آنکه موافقت‌نامه حل و فصل لازم الاجرا گردند، نیازمند رسیدگی در محاکم یا نهاد داوری است. از این رو، کنوانسیون سنگاپور به دنبال ایجاد راه حل مشابه کنوانسیون نیویورک ناظر به اجرای آرای داوری خارجی در خصوص توافقات ناظر بر میانجیگری‌های تجاری بین‌المللی است. (جنیدی و قربانی زلیخایی ۱۴۰۴: ۱۷۶)

کنوانسیون جایگاه مهمی در نظام حل اختلافات بین‌المللی یافته و مکمل کنوانسیون‌های داوری شناخته می‌شود، که می‌تواند به گسترش استفاده از میانجیگری و تقویت همکاری‌های حقوقی بین کشورها کمک شایانی نماید. تصویب کنوانسیون سنگاپور در سال ۲۰۱۸ و تدوین قواعد میانجیگری آنسیترا در سال ۲۰۲۱، تحولی بنیادین در حوزه میانجیگری بین‌المللی به شمار می‌آید و نشان‌دهنده عزم جامعه جهانی برای گسترش این نهاد حقوقی در عرصه‌ی تجارت بین‌الملل است.

۱. رویکرد نوین کنوانسیون سنگاپور

بررسی نوآوری‌ها و رویکردهای نوین مندرج در کنوانسیون سنگاپور در زمینه اعطای قابلیت-اجرایی به موافقت‌نامه‌های حاصل از فرایند میانجیگری، مستلزم مطالعه تطبیقی و اجمالی برخی اسناد و مقررات بین‌المللی مرتبط است. از این رو، در این بخش هر چند به صورت



اختصار، به مهم‌ترین مقررات آن پرداخته می‌شود تا زمینه مناسبی برای تحلیل دقیق‌تر مفاد کنوانسیون فراهم گردد.

به عنوان مثال در ماده ۶ دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص میانجیگری ۲۰۰۸ از کشورهای عضو درخواست شده که ترتیبی روی دست گیرند که موافقت‌نامه‌های کتبی ناشی از فرایند میانجیگری قابل اجرا باشند؛ اما ساز و کار اجرایی آن به اعضا سپرده شده است؛ یعنی نیازی نیست که سازش‌نامه‌ها به شکل مستقیم اجرا شوند و کشورها می‌توانند صرفاً سازش‌نامه‌های مندرج در فیصله محکمه یا هر روش مجاز دیگر از نظر قانون داخلی اعضا را اجرا نمایند. (European Union, 2008) رویکرد مشابه و یکسان در این خصوص در ماده ۱۴ قانون نمونه (UNCITRAL, 2002) و ماده ۱۴ قانون یکپارچه میانجیگری ایالات متحده آمریکا (Uniform Mediation, 2003) نیز منعکس شده است. این مسأله به نظر برخی باعث ایجاد حس عدم اطمینان شده و در نهایت نمی‌توان نتیجه میانجیگری را پیش‌بینی نمود. به عنوان مثال اگر اجرای یک موافقت‌نامه ناشی از میانجیگری از محکمه کشور سنگاپور که دارای نظام حقوقی کامن‌لاست درخواست شود، محکمه‌ها به راحتی حکم الزام به ایفای تعهدات قراردادی را صادر نمی‌کنند و شرایط خاص برای آن در نظر می‌گیرند. در مقابل اگر اجرای سازش‌نامه از محاکم آلمان که دارای نظام حقوقی رومی - ژرمنی درخواست شود، صدور حکم الزام به ایفای عین تعهدات قراردادی خیلی راحت به عنوان یک فرض اولی و بدیهی برای محکمه میسر خواهد بود. همچنین رویه کشورهای مختلف در خصوص صدور حکم به پرداخت جریمه‌های مذکور در سازش‌نامه یکسان نیست و در این خصوص نیز رویکردهای متفاوت وجود دارد. (Chong & Steffek, 2019)

اما در خصوص رویکردهای نوین کنوانسیون سنگاپور می‌توان گفت در صورتی که سازش‌نامه تحت شمول موانع اجرا در ماده ۵ کنوانسیون قرار نگیرد، سازش‌نامه مذکور به طور مستقیم اجرا می‌شود. هم‌چنین وجود سازش‌نامه به عنوان دفاعی کامل در صورت تلاش یکی از طرفین دعوی برای طرح دعوای با موضوع یکسان در دادرسی یا دآوری قابل استناد و شناسایی خواهد بود. به علاوه نیازی به بررسی فرایند میانجیگری در کشوری جز کشور اجراکننده وجود ندارد. (Singapore Convention, 2019) استفاده از رویکرد نوین کنوانسیون سنگاپور در راستای لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه‌های ناشی از میانجیگری اقدام مناسبی در این خصوص خواهد بود.

رویکرد نوین کنوانسیون سنگاپور نسبت به لازم الاجرا شدن سازش نامه های ناشی از میانجی گری، تحول مهم در عرصه حقوق تجارت بین الملل محسوب می شود. برخلاف مقررات پیشین؛ مانند دستورالعمل اتحادیه اروپا یا قوانین نمونه آنستیرال و ایالات متحده که قابلیت اجرا را به نظام های حقوقی داخلی کشورها واگذار کرده بودند، کنوانسیون سنگاپور با تدوین ضوابط مشخص و ارائه سازوکار اجرای مستقیم، گام مؤثری در جهت یکپارچه سازی رویه ها و افزایش اعتماد به نتایج میانجیگری برداشته است. به نظر می رسد، این رویکرد نوین می تواند موجب افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد به فرآیند میانجیگری شده و آن را به گزینه ی مؤثر در حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی تبدیل نماید.

۲. معرفی ساختار کنوانسیون با تاکید بر ماده ۵ (استثنائات)

کنوانسیون سازمان ملل درباره ی اجرای توافقی نامه های حاصل از میانجیگری، مشهور به کنوانسیون سنگاپور، یکی از اسناد مهم در حوزه حقوق تجارت بین الملل است که با هدف تسهیل اجرای توافقی نامه های حاصل از میانجیگری میان طرف های تجاری در سطح بین المللی تدوین شده است. این کنوانسیون دارای ساختاری منسجم و حقوقی است که شامل مواد مختلفی در زمینه دامنه شمول، تعاریف، شرایط اجرایی، الزامات شکلی و نیز استثنائات اجرایی می باشد. در این میان، ماده ۵ کنوانسیون نقش محوری دارد؛ چرا که به طور مشخص مواردی را برمی شمارد که در آنها محکمه می تواند از اجرای توافقی نامه میانجیگری سر باز زند. این ماده به نوعی تعادل بخش بین اصل الزام آوری توافقی نامه ها و حفظ عدالت، انصاف و نظم عمومی است.

بر اساس ماده ۵ کنوانسیون، استثنائات در سه دسته کلی جای می گیرند: نخست، مواردی که به وضعیت طرفین یا اعتبار حقوقی توافقی نامه بازمی گردد؛ مانند عدم اهلیت قانونی یکی از طرف ها یا بی اعتباری توافقی نامه به موجب قانون قابل اجرا؛ دوم، مواردی که به فرآیند میانجیگری مربوط می شود، مانند اثبات سوء رفتار میانجی، نقض بی طرفی یا وجود فریب و تهدید در جریان دستیابی به توافق؛ و سوم، مواردی که اجرای توافقی نامه منجر به نقض نظم عمومی کشور محل اجرا گردد. بنابراین، ماده ۵ در عین حمایت از اصل اجرای توافقی نامه ها، با ارائه معیارهای استثنایی، سازوکاری برای جلوگیری از اجرای توافقی های ناعادلانه، غیرقانونی یا حاصل از فرآیندهای معیوب فراهم کرده است. این ماده بیانگر تلاش کنوانسیون برای ایجاد تعادل میان قطعیت حقوقی و اصول بنیادین عدالت بین المللی است.



ج) استثنائات کنوانسیون سنگاپور با تأکید بر حقوق کار و مصرف‌کننده

با بررسی استثنائات مندرج در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور، مشخص می‌شود که این کنوانسیون با هدف تمرکز بر حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی، برخی موضوعات حقوقی را به درستی از شمول خود خارج کرده است. دعاوی مربوط به حقوق خانواده، ارث، حقوق مصرف‌کننده و حقوق کار، به دلایل مختلف نظیر حساسیت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، همچنین ماهیت غیربازرگانی این دعاوی، از قلمرو اجرایی این سند بین‌المللی مستثنا شده‌اند.

در مورد حقوق خانواده و ارث، این استثنا منطقی و قابل دفاع است؛ زیرا این حوزه‌ها با نظام‌های حقوقی ملی و منابع فقهی مختلف پیوند عمیق دارند و ایجاد وحدت رویه در سطح بین‌المللی در این زمینه‌ها دشوار و حتی در مواردی غیرممکن به نظر می‌رسد. تفاوت‌های بنیادین میان نظام‌های حقوقی ایران (با ریشه در فقه امامیه) و افغانستان (با تکیه بر فقه حنفی و نظام‌های اقتباسی نظیر مجله‌الاحکام) این ادعا را تأیید می‌کند.

در مقابل، استثناسدن حقوق کار و مصرف‌کننده، جای تأمل بیشتری دارد. گرچه این حوزه‌ها نیز به طور سنتی خارج از حوزه روابط صرفاً تجاری تلقی می‌شوند، اما با توجه به گستردگی روابط اقتصادی نوین و تأثیر این روابط بر کارگران و مصرف‌کنندگان، بازنگری در قلمرو این استثنائات می‌تواند گامی مؤثر در توسعه میانجیگری تجاری در سطح داخلی و بین‌المللی باشد. در نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان، امکان طراحی سازوکارهایی برای پوشش اختلافات در این حوزه‌ها از طریق میانجیگری وجود دارد، به شرط آنکه ملاحظات حمایتی و نظم عمومی رعایت شوند.

البته به نظر برخی، این کنوانسیون منکر امکان سازش در حقوق مصرف‌کننده نیست؛ اما وظیفه و مسئولیت خود نمی‌داند که در مورد آن بحث کند؛ زیرا از آنجا که این کنوانسیون راجع به میانجیگری تجاری بین‌المللی است، انتظار نمی‌رود شامل موضوعاتی شود که تجاری محسوب نمی‌شوند. (معبودی نیشابوری، و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۷۶) در نهایت، به نظر می‌رسد که رویکرد کنوانسیون سنگاپور، منع مطلق سازش در حوزه‌هایی نظیر حقوق کار و مصرف‌کننده نیست؛ بلکه صرفاً مسئولیت و شمول مقررات خود را از این حوزه‌ها دور نگه داشته است. این محکمه فرصت مناسبی برای نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان فراهم می‌کند تا با بهره‌گیری از اصول میانجیگری و در چهارچوب قواعد حمایتی داخلی، امکان

توسعه استفاده از این روش حل اختلاف را در موضوعاتی فراتر از تجارت صرف نیز بررسی و پیاده‌سازی نمایند.

۱. استثنائات مربوط به حقوق مصرف‌کننده

پرسشی که مطرح می‌شود، این است که معیار تعیین قرارداد مصرف‌کننده چیست؟ بعضی نویسندگان معیار تعیین قرارداد مصرف‌کننده را ضابطه شخصی می‌دانند؛ یعنی هدف و منظور خریدار در زمان انعقاد قرارداد ملاک و معیار است و وصف و ماهیت موضوع قرارداد تاثیری ندارد. (صفایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸). همچنان طبق بیان بعضی نویسندگان ملاحظات عملی اقتضا می‌کند که خریدار اثبات نماید که کالا را برای مقاصد مصارف شخصی، خانوادگی یا خانگی خریداری کرده است. (داراب پور، ۱۳۹۱: ۱۲)

به طور کلی در اکثر نظام‌های حقوقی قراردادهای منعقد شده میان مصرف‌کننده و تولیدکننده یا فروشنده نسبت به حقوق قراردادهای دارای قواعد ویژه است. دلیل این مطلب، چنین عنوان شده است که مصرف‌کننده برای تهیه کالا و خدمت مورد نیاز خود، مجبور است به تولیدکننده یا فروشنده مراجعه کند. فروشنده یا تولیدکننده نسبت به خریدار اطلاعات بالایی راجع به کیفیت کالا و خدمات ارائه شده دارد و از لحاظ توانایی مالی در موقعیت بالاتری قرار دارد و می‌تواند به راحتی اراده خود را بر مصرف‌کننده تحمیل نماید.

لذا قواعد حقوق خصوصی قادر نیست که به طور موثر حمایت‌های لازم را از مصرف‌کننده انجام دهد؛ به این دلیل که فرض اولیه اصل حاکمیت اراده بر مبنای تساوی طرفین قرارداد استوار است که در این نوع قراردادهای موضوع منتفی است. هم‌چنان راه حل‌های حقوق خصوصی مستلزم اقامه دعوا در محکمه‌ها، اثبات تقصیر تولیدکننده، گرفتار شدن در دام تشریفات متعدد قضایی بوده و گاهی خسارت ادعایی برای مصرف‌کننده به قدری ناچیز است که اقامه دعوا برای وی به صرفه نیست. (فرهادی، ۱۳۸۷: ۲۰۶-۲۰۷).

البته طبق حکم محکمه صاحب نظرانی دیگر در حمایت از مصرف‌کننده نباید در سطحی افراط شود که تولیدکننده نیز ادامه فعالیت اقتصادی خود را به صرفه نداند. (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۷)

در منابع و متون فقه اسلامی نیز چنین رویکرد حمایتی وجود دارد. حمایت از حقوق مصرف‌کننده در فقه اسلامی در قالب خیار عیب، تضمین ضمنی قرار داد و قواعد مسئولیت مدنی مانند اتلاف و قاعده لا ضرر منعکس شده است. (حلی، ۱۴۱۸: ۷۲-۳۸۴) همچنین



سوءاستفاده تولیدکننده از مصرف‌کننده، نمونه روشن تصاحب اموال دیگران به صورت نارواست که در قرآن^۱ نهی شده است. (نساء: ۲۹). لذا با توجه به شرایط خاص مصرف‌کننده، به نظر می‌رسد حمایت از اجرایی شدن سازش‌نامه‌های تنظیم‌شده در این چنین مسایلی از لحاظ فقهی نیز مطلوب است.

در نظام حقوقی ایران در مواد ۱۷۸ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی میان سازش در دعاوی تجاری و غیر تجاری تفکیک صورت نگرفته است و تا کنون دعاوی تجارتی دارای اصول محاکمات خاص نیستند و قانون اصول محاکمات مدنی این کشور بر اینگونه دعاوی حاکم است. حال در صورتی که دولت ایران بدون اصلاح این مقررات به کنوانسیون سنگاپور ملحق شود، نه تنها سازش‌نامه‌های حقوق داخلی در حقوق مصرف‌کننده در غالب موارد بدون حمایت باقی می‌ماند؛ بلکه به علت استثنائات کنوانسیون سنگاپور الحاق ایران به کنوانسیون یاد شده نیز مشکل حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق مصرف‌کننده را رفع نمی‌تواند. به همین جهت بعضی نویسندگان ابراز نظر نموده‌اند که اگر نظام حقوقی ایران تمایل دارد به امتیازات سازش یا میانجیگری توجه کند، باید این خلأ کنوانسیون سنگاپور را به طور دیگری جبران نماید و به موجب مقرراتی که وضع می‌کند، از سازش‌نامه‌های مربوط به مصرف‌کننده حمایت لازم انجام دهد. به این دلیل که برای مصرف‌کننده نیز منطقی نیست که برای چنین اختلافاتی که ممکن است ناشی از خرابی یک کالای نه چندان گران قیمت باشد، در دام تشریفات طولانی رسیدگی قضایی بیفتد. اگر مصرف‌کننده مطمئن باشد که سازش‌نامه‌های خارج از فرایند دادرسی و داوری مورد حمایت اجرایی قرار خواهد گرفت، احتمال زیاد وجود دارد که روش میانجیگری را ترجیح داده و انتخاب نماید. لذا بستر سازی برای استفاده از سازش یا میانجیگری با رویکرد کلی حمایت از مصرف‌کننده همخوانی بیشتری دارد. از این جهت رویکرد کنوانسیون سنگاپور مبنی بر استثنانمودن سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق مصرف‌کننده چندان قابل دفاع نبوده و قابل انتقاد به نظر می‌رسد. (معبودی نیشابوری و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۷۹)

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.

شایان ذکر است طبق ماده ۲۰ و ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۹۰ در نظام حقوقی ایران اصل امکان استفاده از روش میانجیگری یا سازش در دعاوی مصرف‌کننده مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما به دلیل عدم صبغه تقنینی آیین‌نامه و با توجه به تاکیدات فقهی مزبور، مناسب است که قانونگذار ایران در مقررات قانونی مربوطه، حمایت‌های اجرایی از چنین سازش‌نامه‌ها را درج نماید.

در نظام حقوقی افغانستان حمایت اجرایی از سازش‌نامه های مربوط به حقوق مصرف‌کننده به شکل مناسبی مورد توجه قرار گرفته است؛ به این جهت که دعوای تجارتي اصول محاکمات جداگانه‌ی دارند، و محکمه رسیدگی به دعوای تجارتي نیز از محاکم مدنی تفکیک شده است. در قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال (۱۳۹۳)^۱ در ماده ۸۷ قانون مزبور مقرر شده است: «طرفین می‌توانند منازعه مربوط به قرارداد را با اقامه دعوی در یکی از محاکم تجارتي کشور حل و فصل نمایند؛ مگر در قرارداد حل و فصل منازعه از طریق مصالحه، میانجیگری و حکمیت شرط شده باشد.» ماده ۸۸ قانون مزبور در تایید حمایت از قرارداد میانجیگری مقرر می‌دارد: «هرگاه حل و فصل منازعات ناشی از قرارداد از طریق مصالحه، میانجیگری یا حکمیت شرط باشد، محکمه نمی‌تواند به آن رسیدگی نماید.» همان طوری که در این ماده آمده، در صورت وجود توافقنامه مبنی بر حل و فصل اختلافات از طریق سازش، مصالحه یا داوری، اگر یکی از طرفین دعوا به روش‌های دیگر مثل دادرسی قضایی توسل جوید، دعوای وی توسط محکمه تجارتي رسیدگی نخواهد شد.

توافق طرفین مبنی بر انتخاب روش حل و فصل اختلافات در نظام حقوقی ایران و بسیاری از کشورهای دیگر حمایت شده است. اما به صورت عموم شناسایی توافقنامه حل و فصل اختلافات، معطوف به روش‌های توافقی مثل داوری و دادرسی است و در خصوص روش‌های دوستانه مثل میانجیگری یا مذاکره، شناسایی به مفهوم مزبور کمتر اتفاق می‌افتد و در بیشتر موارد، برغم وجود توافق طرفین بر حل و فصل اختلافات از طریق سازش، محکمه به رسیدگی خود به دعوای مطروحه ادامه می‌دهد و توافقنامه سازش را مانع رسیدگی قضایی تلقی نمی‌کند.

شایان ذکر است که در کنوانسیون سنگاپور نیز سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجیگری مورد توجه قرار گرفته است و در خصوص موافقت‌نامه، حل اختلافات از طریق



سازش یا میانجیگری ساکت است. درج شرط حمایت از توافقنامه حل و فصل دعاوی از طریق سازش به نحو فوق الذکر، در کنوانسیون برای ایجاد وحدت رویه در این زمینه‌ها خیلی مفید بود که انجام نشده است. بنا براین، در این خصوص موضع قانون قراردادهای تجارتی و فروش اموال افغانستان نسبت به کنوانسیون سنگاپور مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۲. استثنائات مربوط به حقوق کار

مطابق پاراگراف ب از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون^۱ سازشنامه‌های مربوط به حقوق کار از قلمرو اعمال این کنوانسیون خارج شده‌اند. به نظر می‌رسد این رویکرد به خاطر نا متوازن بودن قدرت قراردادی بین کارفرما و کارگر بوده و مقررات حقوق کار در تمامی نظام‌های حقوقی جنبه حمایتی و آمره دارد. در حالی که برای طرفین دعوا مطلوب‌تر حل و فصل اختلافات دعاوی کار با استفاده از روش سازش یا میانجیگری است؛ زیرا کارگر در موقعیت آسیب‌پذیر است و به دریافت حقوق برای امرار معاش نیاز دارد. از طرف دیگر، کارفرما باید به فعالیت ادامه دهد تا حیات اقتصادی خود را حفظ کند. حل و فصل اختلافات با توجه به تشریفات، هزینه و اطاله رسیدگی از کانال روش‌های ترافعی مناسب نیست و از طرفی موجب رکود و وقفه در فعالیت کارگاه می‌شود.

به همین دلیل طبق نظر بعضی نویسندگان در نظام حقوقی ایران مراجع حل اختلاف کار باتوجه به ضرورت برقراری سازش میان کارگر و کارفرما تمایلی به صدور دستور موقت^۲ و قرارهای تأمینی ندارند؛ زیرا چنین اقدامات باعث ایجاد تنش و مانع حصول سازش میان طرفین می‌شود. (رفیعی، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴). بر علاوه، کارفرمایی که دعاوی متعددی مطروحه کارگری علیه او در محیط‌های تجاری و اقتصادی اعتبار زیاد نخواهد داشت و کارگری که علیه کارفرمای خود اقامه دعوا کرده باشد، ممکن است برای به دست آوردن موقعیت شغلی و

^۱ b) The State in which the parties to the settlement agreement have their places of business is different from either: (i) The State in which a substantial part of the obligations under the settlement agreement is performed; or (ii) The State with which the subject matter of the settlement agreement is most closely connected.

^۲ دستور موفق یا دادرسی فوری می‌کانبسیمی است که در ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پیش‌بینی شده و مطابق آن ذی نفع (اصولا خواهان) می‌تواند از دادگاه دخواست کند که برای جلوگیری از دخل و تصرف مادی در خواسته دعوا و جلوگیری از ورود ضرر به آن، تا زمان تعیین تکلیف دادگاه، مال از هرگونه تصرف در امان بماند و توقیف شود.

کاری جدید با مشکلاتی مواجه شود. در اسناد سازمان بین‌المللی کار نیز سازش دارای اهمیت خاص و ویژه است. البته مقاوله نامه‌هایی نیز در این راستا در سطح بین‌المللی هست که می‌توان به عنوان نمونه به مهم‌ترین مقاوله نامه در این زمینه اشاره نمود.

مهم‌ترین مقاوله نامه، مقاوله نامه شماره ۸۴ است. ماده ۶ سند مزبور برای مهار و جلوگیری از اختلاف میان کارفرمایان و کارگران، روش سازش یا میانجیگری را جهت حل و فصل اختلافات پیش‌بینی نموده است. حتی در بند ۴ ماده مزبور به کارگماردن اشخاصی به طور ویژه برای تشویق و انگیزه‌دهی طرفین به سازش و مدیریت فرایند سازش پیش‌بینی شده است.^۱

در حقوق داخلی کشورهای مختلف از جمله؛ اسپانیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ژاپن سازش و میانجیگری در اختلافات کارگری و دیگر اختلافات پیش‌بینی شده است؛ زیرا علاوه بر سریع‌تر و ارزان -تربودن، طرفین اختلاف رابا رضایت بین خود حل می‌کنند که به روابط آنها آسیب وارد نمی‌سازد. (عراقی، ۱۴۰۱: ۵۱۵)

نظام حقوقی ایران بر امکان سازش در دعاوی و اختلافات کار، رویکرد تأکیدی دارد. در قوانین کار^۲، سازش به عنوان مرحله اولیه حل اختلاف، قبل از ارجاع دعوا به اداره کار پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۵۷ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ سازش به عنوان روش حل و فصل اختلاف میان کارفرما و کارگر به رسمیت شناخته شده است، اما تشریفات و نحوه انجام سازش در این قانون مشخص نشده است. (رفیعی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۴)

بعضی اعتقاد دارند که سازش منعکس شده در ماده ۱۵۷ قانون کار جنبه امری نداشته و تکمیلی است. (رنجبری، ۱۳۸۸: ۱۵۷) علاوه بر آن، برخی این‌گونه استدلال نموده‌اند که اگر سازش در دعاوی کار را، امری تلقی کنیم، مشکلاتی ایجاد می‌شود؛ به عنوان مثال کارفرمایان با استفاده از بی‌سوادی کارگران، از امضای برگه عدم سازش و ارسال آن خودداری کنند و در نهایت مشکلی در مسیر حق دادخواهی کارگر ایجاد خواهد شد. (رفیعی، ۱۳۹۰: ۱۱۴) اما به نظر می‌رسد با توجه به متن ماده یادشده که بیان داشته است: «در صورت عدم سازش،

^۱ . Article 4 – Right of consultation and association: All practicable measures shall be taken to consult and associate the representatives of organisations of employers and workers in the establishment and working of arrangements for the protection of workers and the application of labour legislation.

^۲ . مصوب ۱۳۲۸، ۱۳۳۷ و ۱۳۶۹



دعوا از آدرس هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف رسیدگی و حل و فصل خواهد شد، طی شدن فرایند سازش، یگانه شرط طرح پرونده اختلاف میان کارگر و کارفرما در مراجع یادشده است؛ هرچند در رویه عملی مراجع مذکور، چنین الزامی به چشم نمی‌خورد.

در خصوص دعاوی کار، اگر در سازش نامه طبق مقررات مندرج در اداره کار تنظیم گردد؛ همانند آراء صادره از سوی مراجع اداره کار، معتبر و دارای حمایت اجرایی است. در صورتی که سازش‌نامه‌ای نزد مراجع اداره کار در حقوق داخلی تنظیم نشود، و حد اقل‌های مقرر در حقوق کار را رعایت نکند، به دلیل مخالفت با نظم عمومی باطل است. (معبودی نیشابوری، همان: ۱۸۳)

برخی با نگاه فقهی اظهار داشته‌اند، نباید در جریان سازش میان کارگر و کارفرما از وضعیت برتر کارفرما و آسیب‌پذیری کارگر سوء استفاده شود و لذا صحت چنین سازشی با توجه به قاعده نفی عسر و حرج، محل تردید است؛ زیرا حکم به صحت چنین سازش باعث ایجاد دشواری غیر قابل توجیه برای کارگر می‌شود. طبق قاعده نفی عسر و حرج در اسلام هیچگونه حکمی وجود ندارد که انسان را به دشواری و مشقت وادارد، به طوری که از آن گریزی نباشد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۷۴).

همان‌گونه که بیان شد، انعقاد سازش‌نامه در متون فقهی در دعاوی کار، میان کارگر و کارفرما نهی نشده و جواز دارد، اما طبق رویکرد حمایتی موجود از کارگر در متون فقهی باید توجه صورت گیرد که سازش‌نامه نباید باعث عسر و حرج کارگر شده یا باعث شود که کارگر نتواند نیازهای روزانه خود را مرتفع سازد.

در حقوق ایران ماده ۷۲ آیین‌نامه آیین دادرسی کار شرط رعایت قواعد آمره در ارتباط با سازش الزامی است.^۱ در مجموع مفاد ماده ۷۱ آیین‌نامه آیین دادرسی کار نشان می‌دهد که مقررات یاد شده از سازش‌نامه -های منعقدشده میان کارگر و کارفرما حمایت بیشتری نسبت به مقررات آیین دادرسی مدنی نموده است. زیرا؛ مطابق ماده ۱۸۳ قانون مذکور، سازش‌نامه عادی لازم‌الاجرا محسوب نمی‌شود.

۲. ماده ۷۲: «رعایت قواعد آمره در ارتباط با سازش الزامی است.»

در خصوص حکمیت (داوری) دعاوی مربوط به کار به عنوان روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف در حقوق ایران، اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی نویسندگان با در نظر داشت ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی این کشور بیان داشته اند: «ارجاع دعاوی مربوط به حقوق کار امکان پذیر بوده و قانون کار ایران نیز ممنوعیت صریحی در این زمینه ندارد. (براتی نیا، ۱۳۸۲: ۱۴۴). و از طرف دیگر، قانون آیین دادرسی مدنی این کشور در خصوص دعاوی عام است و مشمول دعاوی کار نیز می‌شود.

در مقابل برخی امکان ارجاع دعاوی کار را به داوری منتفی می‌دانند؛ با این استدلال که دعاوی کار ارتباط مستقیم با نظم عمومی دارد و قواعد آن آمره است. (رفیعی، ۱۳۹۰: ۷۹۶). علاوه بر آن لزوم اطمینان از رعایت حقوق حد اقلی کارگران و صلاحیت ذاتی مراجع اداری کار از جمله‌ای استدلال‌های است که در تأیید این نظریه بیان شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد طبق این دیدگاه، اختلافات کارگری و کارفرمایی صرفاً از طریق شیوه‌های تعیین شده در قانون کار باید حل و فصل شود؛ نه روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف مثل داوری و میانجیگری و...

در جمع‌بندی موضع نظام حقوقی ایران در خصوص سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق کار می‌توان گفت مفاد ماده ۷۱ آیین‌نامه آیین دادرسی کار حمایت بیشتری را نسبت از سازش‌نامه‌هایی منعقدشده میان کارگر و کارفرما منعکس می‌کند؛ اما قانون آیین دادرسی مدنی ایران حمایت چندانی از سازش‌نامه‌هایی منعقد در این زمینه ندارد؛ یعنی همان طوری که در مباحث قبلی اشاره شد، سازش‌نامه‌های عادی لازم‌الاجرا نیست ولو آن که صحت آن نزد محکمه محرز شود، بلکه چنین سازش‌نامه‌هایی در صورتی وصف لاز الاجرا پیدا می‌کند که طرفین در محکمه حضور یافته و نسبت به آن اقرار نمایند. در حالی که رویکرد ماده ۷۱ آیین-نامه، آیین دادرسی کار حضور طرفین اختلاف را در اداره کار ضروری ندانسته؛ بلکه صرف اثبات صحت سازش‌نامه‌های عادی را جهت لازم‌الاجرا نمودن آن کافی می‌داند.

رویکرد نظام حقوقی افغانستان راجع به حل اختلافات ناشی از کار با نظام حقوقی ایران متفاوت است؛ یعنی قواعد مربوط به حل اختلافات کار در این قانون بیشتر تکیه بر نظم عمومی داشته و حل اختلافات مربوطه از جمله صلاحیت ذاتی اداره کار دانسته شده است. برای روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف مانند داوری و میانجیگری جایگاهی مد نظر گرفته نشده است. البته در همه نظام‌های حقوقی توجه به نظم عمومی و درج مقررات آمره در حقوق کار منعکس شده است.



تمهیداتی که برای حل اختلافات ناشی از کار در ماده ۱۳۱ قانون کار افغانستان مدنظر است، اینگونه است که اختلافات ناشی از کار میان اداره و کارکن یا کارآموز بر اساس احکام این قانون و مقرره های مربوط به قراردادهای کار از طریق تفاهم مستقیم میان اداره و کارکن یا کارآموز، باید حل و فصل شود.

طبق بند ۲ این ماده در صورتی که اختلافات ناشی از کار از این آدرس ها حل و فصل نشود، اختلاف در مرحله اول از طریق کمیسیون حل اختلافات اداره باید حل و فصل شود و در صورتی که این روش نیز نتیجه بخش نباشد، موضوع باید به کمیسیون عالی حل اختلافات کار ارجاع گردد و در غیر آن نوبت به محکمه ذی صلاح می رسد. البته با توجه به اطلاق واژه دعوا در قانون اصول محاکمات مدنی کشور، شاید بتوان هرگونه دعوایی را به دام محکمه مدنی ارجاع داد؛ اما این عام با تخصیص مقررات مندرج در ماده ۱۳۱ قانون کار مواجهه است که در مرحله اول نمی توان به محکمه برای حل اختلافات ناشی از کار مراجعه نمود.

در قانون کار افغانستان طبق بند ۱ از ماده ۳ منظور از اداره عبارت است از: وزارت خانه ها، ادارات دولتی و غیر دولتی، کمیسیون های مستقل، تصدی ها، تشبثات خصوصی و مختلط و مؤسسات خارجی مقیم افغانستان که کارکن در آن مصروف کار تولیدی یا خدماتی است. به طور کلی آنچه از مجموع مواد مندرج در این قانون فهمیده می شود، می توان گفت که مقررات قانون کار افغانستان نسبت به قانون کار ایران دولتی و حکومتی تر است و این رویکرد خاصیت انعطاف پذیری این قانون را در مجموع و به صورت خاص در ارجاع اختلاف مربوطه به روش های جایگزین حل و فصل اختلاف به صفر رسانده است. این موضوع از ایرادهای خیلی مهمی است که در این قانون به ذهن خطور می کند.

در جمع بندی این بخش می توان گفت که حمایت از کارگر ایجاب می کند که مقررات حقوق کار ماهیت آمره داشته و از زمره قواعد نظم عمومی تلقی شوند؛ اما با توجه به سیال بودن مفهوم نظم عمومی در نظام های مختلف حقوقی، قواعد آمره نیز جنبه نسبی داشته و در صورتی که توافق به نفع کارگر باشد، مخالف نظم عمومی تلقی نشده و معتبر خواهد بود. دلیل این امر را بعضی نویسندگان چنین بیان نموده است: تفاوت جایگاه کارگر و کارفرما و اختلاف قابل ملاحظه آنها در انتفاع از فعالیت کاری است. جایگاه کارگر در روابط کار، خیلی ضعیف تر و آسیب پذیر تر از کارفرما است. لذا چرخ توازن قوا بین طرفین به نفع کارفرما می چرخد. و اگر بدون اطلاع کارگر از آنچه بر طبق قانون به آن تعلق گرفته،

سازش حاصل شود، این سازش اعتبار نداشته و رافع مسئولیت کارفرما نخواهد بود.
(سادات طاهری، ۱۳۹۴: ۹۸-۱۰۲)

بنا بر این مقررات قانون کار ایران در مقایسه با قانون کار افغانستان سازش نامه های دعاوی کار را مورد حمایت جدی تر نسبت به سایر سازش نامه ها قرار داده است، اما قانون کار افغانستان مقرراتی راجع به سازش نامه مربوطه ندارد. با توجه به این که سازش نسبت به روش های ترافیعی حل اختلاف هزینه کمتر، امنیت شغلی بیشتر و سرعت مطلوب تری برای کارگر ایجاد می کند، موضع حقوق ایران نسبت به مفاد کنوانسیون سنگاپور مطلوب تر به نظر می رسد و این زمینه را برای گسترش و توسعه مقررات روش های جایگزین حل و فصل اختلاف بیشتر مساعد می سازد. اما برای تحکیم زیرساخت توسعه و گسترش نهاد سازش یا میانجیگری در قانون کار افغانستان اصلاح مقررات این قانون در راستای حمایت از سازش یا میانجیگری گزینه ای مناسب به نظر می رسد؛ یعنی مقرراتی راجع به حل و فصل اختلافات مربوط به کار در متن این قانون باید درج شود.

در نهایت بررسی تطبیقی استثنائات مربوط به حقوق کار در کنوانسیون سنگاپور نشان می دهد که هرچند این کنوانسیون با هدف حمایت از کارگران، سازش نامه های کار را از شمول خود خارج کرده است، اما موضع نظام های حقوقی ایران و افغانستان در برخورد با این موضوع متفاوت است. در نظام حقوقی ایران، سازش در دعاوی کار به رسمیت شناخته شده و نسبت به سایر حوزه ها از حمایت بیشتری برخوردار است؛ به ویژه در آیین نامه آیین دادرسی کار که برخلاف آیین دادرسی مدنی، سازش نامه های کار را لازم الاجرا تلقی می کند. این رویکرد، انعطاف پذیر و هم راستا با نیازهای کارگران و کارفرمایان است و ظرفیت گسترش میانجیگری در این حوزه را فراهم می سازد.

بند ۱ و ۲ ماده ۱۳۱ قانون کار افغانستان مصوب ۱۳۸۷^۱ گرچه سازوکارهای مشخصی برای حل اختلافات کارگری درون اداره و کمیسیون های مربوطه دارد، اما هیچ جایگاهی برای روش های

^۱ . بنده ۲ ماده ۱۳۱ قانون مذکور مقرر می دارد: «هرگاه اختلاف ناشی از کار توسط اداره و کارکن یا کارآموز رفع شده نتواند، موضوع در مرحله اول از طریق کمیسیون حل اختلافات اداره به شمول نماینده اتحادیه کارگری بخش مربوط، در مرحله دوم از طریق کمیسیون عالی حل اختلافات کار، به شمول نماینده اتحادیه کارگران و کارفرمایان بخش مربوط و در غیر آن از طرف محکمه ذیصلاح حل و فصل می گردد.»



جایگزین حل اختلاف مانند میانجیگری یا داوری قائل نیست. این ساختار متمرکز، بیشتر دولتی و کمتر انعطاف‌پذیر است و امکان بهره‌مندی از مزایای میانجیگری را محدود کرده است.

در مجموع، رویکرد ایران با پذیرش اصولی سازش در حقوق کار، گامی مثبت و همسو با توسعه میانجیگری تلقی می‌شود؛ در حالی که قانون کار افغانستان نیازمند اصلاحاتی بنیادین برای پذیرش و حمایت از سازش‌نامه‌های کار است تا با رویکردی کارآمدتر و انسانی‌تر، از حقوق کارگران و کارفرمایان به‌صورت توأمان حمایت شود.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی استثنائات مربوط به حقوق کار در کنوانسیون سنگاپور نشان می‌دهد که این کنوانسیون با هدف حفظ ماهیت حمایتی روابط کار، دعاوی کارگری را از شمول خود خارج کرده است؛ امری که نه به معنای نفی میانجیگری در این حوزه، بلکه ناشی از ویژگی‌های خاص و امری بودن قواعد حقوق کار است. با این حال، واکنش نظام‌های حقوقی ایران و افغانستان نسبت به این موضوع یکسان نیست.

در نظام حقوقی ایران، سازش‌نامه‌های ناشی از میانجیگری در دعاوی کار به رسمیت شناخته شده و حتی در برخی مقررات، از جمله اصول محاکمات کار، سازش‌نامه‌ها از ضمانت اجرای قوی‌تری نسبت به سایر حوزه‌ها برخوردارند. این رویکرد بیانگر نوعی انعطاف‌پذیری و تمایل به استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف، از جمله میانجیگری، در راستای تأمین منافع متوازن کارگر و کارفرما است. در مقابل، در نظام حقوقی افغانستان، با وجود پیش‌بینی سازوکارهای اداری و کمیسیونی برای حل اختلافات کارگری، جایگاه مشخصی برای میانجیگری در نظر گرفته نشده و ساختار موجود بیشتر ماهیتی متمرکز و دولتی دارد که از انعطاف لازم برخوردار نیست.

در خصوص حقوق مصرف‌کننده، در نظام حقوقی ایران بر اساس مواد ۲۰ و ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۹۰، اصل امکان استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف از جمله میانجیگری و سازش مورد پذیرش قرار گرفته است. با این حال، از آنجا که آیین‌نامه واجد صبغه تقنینی در سطح قانون نیست، به نظر می‌رسد حمایت‌های اجرایی کافی و الزام‌آور برای سازش‌نامه‌های حاصل از این روش‌ها به‌طور کامل تضمین نشده است. از این‌رو، با توجه به مبانی فقهی پیش‌گفته و تأکید بر اعتبار صلح،

ضروری است قانون‌گذار ایران در قوانین مربوطه، ضمانت اجرای صریح و مؤثرتری برای این‌گونه سازش‌نامه‌ها پیش‌بینی نماید.

در مقابل، در نظام حقوقی افغانستان، حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق مصرف‌کننده به شکل مناسب‌تری مورد توجه قرار گرفته است. این امر تا حدی ناشی از تفکیک دعاوی تجارتي از دعاوی مدنی و پیش‌بینی اصول محاکمات خاص برای دعاوی تجارتي است؛ به‌گونه‌ای که محکمه رسیدگی‌کننده به این دعاوی نیز به‌صورت جداگانه عمل می‌کند. این ساختار، زمینه مساعدتری برای شناسایی و اجرای توافقات ناشی از سازش و میانجیگری را فراهم ساخته است.

برای همسویی با این کنوانسیون، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

قوانین داخلی دو کشور اصلاح شده و سازش‌نامه‌های ناشی از میانجیگری خارج از فرایند قضایی در حوزه‌های حقوق کار و مصرف‌کننده به رسمیت شناخته شوند.

الحاق دو کشور ایران و افغانستان به کنوانسیون سنگاپور با توجه به اشتراکات ادبیات حقوقی، همجواری مرزی و مبادلات تجاری در عرصه تجارت، گامی مهم در راستای تحقق هدف این کنوانسیون (ارتقا جایگاه و توسعه میانجی‌گری) و ایجاد سرعت در رشد روابط تجاری هر دو کشور تلقی خواهد شد.



منابع و مآخذ

• قرآن کریم

الف. کتب

۱. ابن یوسف حسن حلی (علامه حلی)، (۱۴۱۸ . ق) ق قواعد الاحکام، قم: موسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
۲. براتی نیا، (۱۳۸۲)، دیمحکمه های نو در حقوق کار، تهران: انتشارات فکر سازان، چ ۱.
۳. داراب پور، مهرباب، (۱۳۹۱)، تفسیری بر حقوق بیع بین الملل کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۲.
۴. رنجبری، ابالفصل، (۱۳۸۸)، حقوق کار، تهران: انتشارات مجد، چ ۹.
۵. زنجانی، عمید، عباسعلی، ۱۳۸۶، قواعد فقه بخش حقوق خصوصی، ج ۱، تهران: سازمان تدوین مطالعه کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) چ ۱.
۶. صفایی، سید حسین، و همکاران، ۱۳۹۲، حقوق بیع بین المللی بررسی کنوانسیون بیه بین المللی ۱۹۸۰ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۴.
۷. صداقت، قاسم علی، (۱۳۹۸)، حقوق بین المللی کار (کلیات، مؤلفه ها و سازو کارهای نظارت بر استندردهای بین المللی کار) چاپ اول، نشر واژه.
۸. عراقی، سید عزت الله، ۱۴۰۲، حقوق کار (جلد دوم)، تهران، سمت.
۹. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۱، مسئولیت ناشی از عیب تولید، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۱.

ب. مقالات

۱۰. امیری، میلاد و رضایی پریسا، ۱۴۰۰، تحلیل جهات رد درخواست اجرای موافقت نامه های ناشی از میانجیگری بر اساس کنوانسیون سنگاپور، فصلنامه اندیشه حقوقی، سال دوم، شماره ششم.
۱۱. جنیدی، لعیا، قربانی زلیخایی، مجید، ۱۴۰۴، مطالعه تطبیقی انواع رژیم اجرایی موافقت نامه حل و فصل اختلاف ناشی از میانجیگری تجاری بین المللی، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۶۱، شماره دوره ۲۴.
۱۲. جواد پور، نغمه و غمامی، مجید، (۱۴۰۱)، اتخاذ روش میانجیگری در حل و فصل دعاوی سرمایه گذاری نفت و گاز، حقوق فناوری های نوین، ۷۳-۸۵.

۱۳. فرهادی، مریم، (۱۳۸۷)، نقد و بررسی تطبیقی قوانین حمایت از مصرف‌کننده با حقوق کشور فرانسه، محله دانشکده علم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، ش ۴.
۱۴. معبودی نیشابوری، علی، و رضایی، سید علی رضا، (۱۳۹۹)، دعاوی مستثنی شده از قلمرو کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فقه امامیه، نشریه علمی مطالعات حقوق عمومی معاصر، ۲۰.
۱۵. _____؛ (۱۳۹۹) رویکرد کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹، و نظام حقوقی ایران در مورد چالش‌های سازش‌نامه‌های حاصل از میانجیگری تجاری بین المللی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲.
۱۶. نیکبخت حمید رضا و ادیب، علی اکبر، اصلاحگری و میانجیگری به عنوان جایگزین روش‌های سنتی حل اختلافات مدنی - تجاری (امکان به کارگیری آنها در صنعت نفت)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۸.

ج. پایان نامه ها

۱۷. رفیعی، احمد، (۱۳۹۰) حل اختلاف کار در نظام حقوقی ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه، پایان‌نامه دکتورا، رشته حقوق عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

د. قوانین ایران

۱۸. قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹).
۱۹. قانون کار، مصوب ۱۳۶۸ مجلس و مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۰. قواعد میانجیگری مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران مصوب ۱۳۹۶ هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.
۲۱. قواعد میانجیگری مرکز منطقه‌ای داوری تهران مصوب سازمان مشورتی حقوقی آسیایی - آفریقایی (AALCO) لازم‌الاجرا از ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۱ (۱۴۰۰).
۲۲. آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۹۰.

ه. قوانین افغانستان

۲۳. قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال، مصوب ۱۳۹۳.
۲۴. قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتي (۱۳۸۵).
۲۵. قواعد میانجیگری مرکز حل منازعات تجارتي (۱۳۸۸).
۲۶. قانون کار (۱۳۸۷).

27. Alexander, N. (2019). Ten trends in international mediation. Singapore Academy of Law Journal, 31, Special Issue, 1–38.
28. Abrishami, A. M. (2020). Singapore Convention on Mediation: Should Iran follow the position of Qatar? Arab Law Quarterly, 1(aop), 1–36.
29. Chong, S. Y., & Steffek, F. (2019). Enforcement of international settlement agreements resulting from mediation under the Singapore Convention: Private international law issues in perspective. Singapore Academy of Law Journal, 31(Special Issue), 1–39.
30. Directive 2008/52/EC of the European Parliament and of the Council of 21 May 2008 on certain aspects of mediation in civil and commercial matters. (2008). Official Journal of the European Union, L 136/3.
31. National Conference of Commissioners on Uniform State Laws. (2001). Uniform Mediation Act. Retrieved from.
32. Sussman, E. (2018). The Singapore Convention promoting the enforcement and recognition of international mediated settlement agreements. ICC Dispute Resolution Bulletin, (3), 1–15. (Issue number and pages may vary depending on source access)
33. UNCITRAL. (2021). UNCITRAL mediation rules. Article 1.
34. International Labour Organization. (1947). Right of Association (Non-Metropolitan Territories) Convention, 1947 (ILO Convention No. 84), Article 4. Adopted 11 July 1947, entered into force 1 July 1953. Retrieved from.

